

محمد سلطانى در گفت‌وگو با ايکنا:

تلقي حق و باطل نسبت به مذاهب اسلامى خلاف نص صريح قرآن است

حجت‌الاسلام محمد سلطانی، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان بر این باور است: در اختلافات مذهبی اگر تقسیم دوگانه حق و باطل یا درست و نادرست را کنار گذاشته و به تقسیم سه‌گانه مبنی بر دلیل معتبر پذیرفته شده، دلیل معتبر پذیرفته نشده و فقدان دلیل و سند برای دیدگاه‌ها قائل شویم، بسیاری از این اختلافات با گفت‌وگو قابل حل خواهد بود.

تاریخ: ۲۹ مهر ۱۴۰۰ - ۱۳:۰۲

کد خبر: ۴۰۰۶۹۰۴



حجت‌الاسلام محمد سلطانی، عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان در گفت‌وگو با ایکننا از اصفهان، درباره معنای تقریب و وحدت مذاهب اسلامی، اظهار کرد: طبیعی است که عالمان و صاحب‌نظران در هر حوزه‌ای تفاوت دیدگاه با یکدیگر داشته باشند و اصولاً صاحب‌نظر بودن با نوعی اختلاف نظر همراه است، ولی در این اختلاف‌ها باید به دو نکته توجه کرد؛ یکی اینکه اختلاف‌ها باید عالمانه و مستند بحث و بررسی و آشکار شود و از مطرح کردن آنها در فضای عمومی و عوامانه پرهیز کرد. دیگر اینکه، فقط اختلافات مطرح نشود، بلکه به موارد مورد وفاق و اجماع نیز توجه شود و هیچ مورد وفاقی به اختلافات گره زده نشود.

وی افزود: تقریب به معنای انکار یا نادیده گرفتن اختلاف‌ها نیست و باید با واقعیت خارجی روبرو شد. واقعیت خارجی این است که مذاهب اسلامی هم در حوزه اعتقادات و کلام و هم در حوزه فقه و مناسک و حتی در تشخیص مواضع سیاسی، طبیعتاً اختلافاتی دارند.

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان بیان کرد: وقتی اختلافات مطرح می‌شود، همواره تقسیم دوگانه‌ای در ذهن افراد شکل می‌گیرد و آن، صحیح و باطل یا درست و نادرست است، برای مثال در اختلافات مذهبی بسیار دیده می‌شود که پیروان و حتی برخی عالمان مذاهب دیدگاه و حاصل اجتهاد خود را صحیح و بر صواب می‌دانند و دیدگاه طرف مقابل را باطل و نادرست می‌پندارند. اگر بخواهیم با این شیوه و تقسیم دوگانه پیش برویم، هر مذهبی خودش را بر حق و دیگران را بر باطل می‌داند. خداوند در قرآن این موضوع را بیان و یهودیان و مسیحیان زمان پیامبر(ص) را بابت این طرز تفکر نسبت به یکدیگر مذمت و نکوهش کرده است. آیه ۱۱۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» و یهودیان گفتند ترسایان بر حق نیستند و ترسایان گفتند یهودیان بر حق نیستند، با آنکه آنان

کتاب [آسمانی] را می‌خوانند. افراد نادان نیز [سخنی] همانند گفته ایشان گفتند، پس خداوند روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می‌کردند، میان آنان داوری خواهد کرد».

سلطانی ادامه داد: همان‌طور که می‌دانیم، یهودیان و مسیحیان عهد عتیق را کتاب آسمانی می‌دانند و اسفار پنج‌گانه تورات و کتب انبیای بنی‌اسرائیل را مقدس می‌شمارند، ولی با اینکه کتاب آسمانی واحدی دارند، درباره یکدیگر این‌گونه قضاوت می‌کردند. یکی از شگفتی‌های قرآن این است که پیشاپیش اختلافات مذهبی را ترسیم کرده و نشان می‌دهد جاهلان و کسانی که علم ندارند، همین‌گونه قضاوت می‌کنند، یعنی یکدیگر را بر باطل می‌پندارند. خداوند این سخنان را ناشی از جهل می‌داند، چون تقسیم دوگانه‌ای مبنی بر حق مطلق و باطل مطلق در ذهن این افراد وجود دارد و خود را حق مطلق و دیگری را باطل مطلق می‌دانند. این در حالی است که می‌توان تقسیم سه‌گانه‌ای داشت که در پرتو آن، بسیاری از نزاع‌های مذهبی حل خواهد شد.

وی در خصوص این تقسیم سه‌گانه، گفت: برای برخی دیدگاه‌ها، دلیل محکمه‌پسند و قابل توجه وجود دارد که ممکن است آن دلیل ما را قانع کند و دیدگاه مربوطه را بپذیریم و با آن همراه شویم. در تقسیم دوم، یک دیدگاه و نظریه برای خود دلیل قابل توجه دارد، ولی آن دلیل ما را قانع نمی‌کند، آن را نمی‌پذیریم و در عین حال به آن احترام می‌گذاریم، چون مستند و مستدل است، هر چند ما نسبت به آن قانع نشده‌ایم. در حالت سوم ممکن است کسی سخنی بگوید، یا دیدگاهی داشته باشد که دلیل معتبری برای آن ارائه ندهد. اگر این تقسیم سه‌گانه را در نظر بگیریم، اختلافات مذهبی به جای اینکه به نزاع و ناسزا و کشتار منتهی شود، به گفت‌وگو می‌انجامد.

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان اضافه کرد: درباره وضو، آیه ۶ سوره مائده نازل شده است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید...». در تفسیر این آیه، میان شیعه و فرقه‌های اهل سنت اختلاف وجود دارد که یکی به جهت شستن دست مربوط می‌شود، یعنی از انگشتان به سمت بازو باشد که اهل سنت به آن معتقدند، یا از بازو به سمت انگشتان باشد که شیعیان این‌گونه وضو می‌گیرند. این اختلاف ناشی از برداشت فقهای این مذاهب است، یعنی فقیه شیعه معتقد است که حرف «الی» در این آیه، جهت را مشخص نکرده و لزومی ندارد که شستن به سمت بازو منتهی شود، بلکه به‌طور عادی و متعارف باید دست‌ها را شست و شستن متعارف، از بازو به انگشتان است. در خصوص مسح سر نیز شیعه به راهنمایی ائمه معصوم (ع) معتقد است که فقط بخشی از سر را باید مسح کرد، نه همه آن را، ولی اهل سنت معتقدند که تمام سر باید مسح شود. در خصوص مسح پا، شیعیان بر این باورند که پا عطف به سر است و همان‌طور که سر مسح می‌شود، پا نیز باید مسح شود. اهل سنت معتقدند که پا عطف به صورت و دست است و همان‌طور که صورت و دست شسته می‌شود، پا نیز باید شسته شود.

وی تصریح کرد: وقتی کسی مرجع و سند این اختلافات را بداند، به جای اینکه بر سر این حکم فقهی خون به پا کند، یا وضو و نماز فرقه‌های دیگر را باطل بیندارد، می‌تواند به‌طور منطقی بگوید که شیعه به پیروی از اهل بیت (ع)، در حرف «الی» قائل به جهت نیست، «با» را به معنای بعض در نظر می‌گیرد و پا را به سر عطف می‌کند. فرقه‌های دیگر در حرف «الی» قائل به جهت هستند، «با» را به معنای زائده در نظر می‌گیرند و پا را به صورت و دست عطف می‌کنند و آن را می‌شویند. آنها نیز به استناد این آیه وضو می‌گیرند و دیدگاهشان از همین آیه استخراج شده است، هر چند تفسیر آنها از این آیه ما را قانع نکند و نتوانیم آن را بپذیریم، ولی به هر حال دلیلی قابل اعتنا و مستند به قرآن است و نمی‌توان آن را باطل اعلام کرد و بدون شک فهم هر کسی برای او حجت خواهد بود.

حجت‌الاسلام سلطانی افزود: این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که فرقه‌های چهارگانه اهل سنت در خصوص جزئیات احکام با هم اختلاف دارند و در شیعه نیز باب اجتهاد باز است و میان مراجع مختلف اختلاف جزئی وجود دارد. در این حالت‌های درون‌فرقه‌ای گفته می‌شود که اگر هر کس به اجتهاد خودش عمل کند و دلیل معتبر ارائه دهد، نزد خدا به تکلیف خود عمل کرده است. این موضوع درباره مذاهب مختلف اسلامی نیز صدق می‌کند و هر مذهبی که دلیل معتبر و موجه عقلی یا نقلی برای باور و عمل خود دارد، حتی اگر آن دلیل برای دیگر مذاهب قانع‌کننده نباشد، دیدگاهش معتبر است و باید به آن احترام گذاشته شود. البته اگر گروهی از مسلمانان باوری داشتند، یا عملی انجام دادند که دلیل معتبری برای آن وجود نداشته باشد، می‌توان در مقابل آن ایستاد. بنابراین، اگر از تقسیم مبتنی بر حق و باطل یا درست و نادرست به تقسیم سه‌گانه مبنی بر دلیل معتبر پذیرفته‌شده، دلیل معتبر پذیرفته نشده و فقدان دلیل و سند برسیم، بسیاری از نزاع‌ها قابل حل خواهد بود.

وی تصریح کرد: متأسفانه تأکید بر اختلافات و تقسیم دوگانه است که باعث تفرقه و خونریزی در میان مسلمانان شده و چند هفته است که در مساجد شیعیان افغانستان انفجار اتفاق می‌افتد و این انفجار کار کسانی است که هیچ حرمتی برای مسلمان و نماز او قائل نیستند. استدلال آنها همین است که می‌گویند وضو و نماز شیعه باطل است و شیعه دین ندارد، پس ریختن خونش حلال است. این طرز تلقی و تفکر در هر مذهبی وجود داشته باشد، جز قتل و خونریزی و نفرت نتیجه‌ای ندارد. ما شیعیان نیز باید از این نوع تلقی‌های جزمی دوری کنیم و اگر کسی به نام ولایت‌مداری و پیروی از امیرالمؤمنین(ع) بخواهد رنگ و بوی وهابیت را در شیعه بپراکند و دیگر مسلمانان را تکفیر کند، باید با او به مقابله برخاست.